

جناس

(۱) گلاب است گویی به جویش **روان**
همی شاد گردد ز بویش **روان**
« فردوسی »

(۲) صد **هزاران** گل شکفت و بانگ مرغی برنخواست
عندلیبان را چه پیش آمد؟ **هزاران** را چه شد؟
« حافظ »

(۳) ای **مهر** تو در دلها، وی **مهر** تو بر لبها
وی شور تو در **سرها**، وی **سیرت** تو در جانها
« سعدی »

(۴) آن کس است اهل **اشارات** که **بشارت** داند
نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست؟
« حافظ »

(۵) **کار** دلم به جان رسد، **کارد** به استخوان رسد
نالہ کنم بگویدم : دم مزن و بیان مکن
« مولوی »

* به ابیات اول و دوم دقت کنید. در هر یک از آنها، دو واژه می‌یابید که در لفظ مشترک و در معنی متفاوت اند؛ یعنی، صامت‌ها و مصوت‌های آنها از نظر نوع و تعداد و ترتیب یک‌سان است؛ مانند: «روان و روان» در بیت اول، «هزاران و هزاران» در بیت دوم. اکنون به بیت‌های بعدی نگاه کنید. در این بیت‌ها واژه‌هایی را می‌یابید که در یک مصوت کوتاه یا یک صامت اختلاف دارند؛ مانند: «مهر و مهر، سر و سر» در بیت سوم و «اشارات و بشارت» در بیت چهارم. در آخرین بیت نیز «کارد» یک صامت بیش از «کار» دارد و تنها تفاوت آنها در همین نکته است. این هم‌جنسی و **شباهت تام** یا **ناقص** واژه‌ها را

در لفظ، جناس می‌گویند.

همانندی کلمات سبب موسیقی در کلام است و ارزش جناس نیز از همین جاست. نیکوترین جناس آن است که با اقتضای معنی در گفتار پدید آید؛ به گونه‌ای که بتوان جای آن را با هیچ واژه‌ی دیگری عوض کرد. به دو کلمه‌ی هم‌جنس در یک مصراع یا بیت، «ارکان جناس» گویند. جناس در نثر نیز به کار می‌رود.

جناس^۱: یک‌سانی و هم‌سانی دو یا چند واژه است در واج‌های سازنده با اختلاف در معنی.

دو کلمه‌ی هم‌جنس، گاه جز معنی هیچ گونه تفاوتی با هم ندارند و گاه علاوه بر معنی، در یک مصوّت یا صامت با هم متفاوت‌اند. ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در کلام خلق می‌کند و زیبایی جناس در گرو ارتباط آن با معنی کلام است. جناس در شعر و نثر به کار می‌رود.

خودآزمایی

— در اشعار و جمله‌های زیر، جناس‌ها را بیابید و اگر اختلافی در صامت‌ها یا مصوّت‌هاست، بیان کنید.

خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده بازباید روان
(فردوسی)

پیش رویت دگران صورت بر دیوارند نه چنین صورت و معنی که تو داری، دارند
(سعدی)

۱ — اهلی شیرازی، شاعر قرن دهم، مثنوی‌ای به نام «سحر حلال» دارد که در تمامی بیت‌های آن جناس به کار رفته است.

زهره‌ی شیر است مرا، زهره‌ی تابنده شدم
«مولوی»

در مجلس ما، ماه رخ دوست تمام است
«حافظ»

به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
«حافظ»

شد از رخسار رخشان و از شاه شاد
«فردوسی»

آیین ماست سینه چو آینه داشتن
«طالب آملی»

دیده‌ی سیر است مرا، جان دلیر است مرا

گو شمع نیارید در این جمع که امشب

خوشا نماز و نیاز کسی که از سردرد

بیامد، بمالید و زین بر نهاد

کفر است در طریقتِ ما کینه داشتن

جناس تام

(۱) بردوختهام دیده چو باز از همه عالم
تا دیده‌ی من بر رخ زیبای تو باز است
«حافظ»

(۲) برادر که در بند خویش است نه برادر، نه خویش است.
«سعدی»

(۳) ای آسمان چو دور ندیمان‌ش دیده‌ای
در دور خویش، شکل مدور گرفته‌ای
«مولوی»

* در مثال نخستین، واژه‌ی «باز» دو بار به کار رفته است؛ باز اول به معنی پرنده‌ی شکاری و باز دوم به معنی گشاده است. این دو کلمه در معنی متفاوت‌اند اما در لفظ هیچ‌گونه تفاوتی ندارند.

* در مثال دوم، «خویش» در پایان دو جمله به کار رفته است؛ «خویش» اول به معنی خود و «خویش» دوم به معنی قوم و خویش است. دو واژه در تلفظ یکی، اما در معنی مختلف‌اند.

* در مثال سوم، مولانا واژه‌ی «دور» را یک بار در مصراع اول و بار دیگر در مصراع دوم به کار برده است. معنای آن در مصراع «اول» به «حلقه» و در مصراع دوم «گردش» است. دو واژه از نظر لفظی یک‌سان اما در معنی با هم متفاوت‌اند. «پایه‌های جناس» در هر سه مثالی که خواندیم، در تلفظ هم‌سان و در معنی مختلف‌اند. این نوع

جناس را که موسیقایی‌ترین نوع جناس است و در ادب فارسی به فراوانی یافته می‌شود، جناس تام می‌نامیم. جناس تام بر موسیقی درونی مصراع یا جمله می‌افزاید.

جناس تام : یک‌سانی دو واژه در تعداد و ترتیب واج‌هاست. ارزش موسیقایی جناس تام در سخن بسیار است.

خودآزمایی

- ۱- در اشعار و جمله‌های زیر، جناس تام را تعیین کنید و معنی هر یک از ارکان را بگویید.
- | | |
|--|--|
| از تن برود، سخن روان است
(سعدی) | خرم تن او که چون روانش |
| پستی گرفت همّت من زین بلند جای
(مسعود سعد) | نالم زدل چو نای من اندر حصار نای |
| چون من در آن دیار هزاران غریب هست
(حافظ) | گر آدمم به کوی تو چندان غریب نیست |
| هم تواند کرمش داد من مسکین داد
(حافظ) | وان که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت |
| تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی
(سعدی) | نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا |
| کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
(سعدی) | با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی |
- کتابی که در او داد سخن آرای توان داد، ابداع کنم.
- «سعدالدین وراوینی»

جناس ناقص حرکتی^۱

اختلاف در مصوّت‌های کوتاه (حرکات)

(۱) شکرکند چرخ فلک، از **مَلِک** و **مُلک** و **مَلک**
کز کرم و بخشش او، روشن و بخشنده شدم
«مولوی»

(۲) گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل
گُل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از **گِل**
«سعدی»

(۳) ای گدایان خرابات، خدا یار شماس
چشم **انعام** مدارید ز **انعامی** چند
«حافظ»

* در بیت نخستین، سه واژه‌ی «مَلک، مُلک و مَلک» به کار رفته‌اند. صامت‌های هر سه واژه یک‌سان اما مصوّت‌های کوتاه آنان با هم متفاوت است.

* در بیت دوم، دو واژه‌ی گل و گِل یک مصوّت کوتاه دارند که با هم تفاوت دارد و صامت‌های «گ و ل» در هر دو واژه یکی است.

* در بیت آخر، دو واژه‌ی «انعام و انعام» به چشم می‌خورد. انعام به معنی «نعمت بخشیدن» و انعام به معنی «چهارپایان» است. دو واژه در معنی و در مصوّت کوتاه اختلاف دارند.

جناس میان این نوع واژه‌ها را – که علاوه بر اختلاف معنی، در مصوّت یا مصوّت‌های کوتاه نیز با هم فرق دارند – **جناس ناقص** می‌خوانیم. جناس ناقص در افزایش موسیقی لفظی بیت یا مصراع مؤثر است.

۱ – قدما این گونه جناس را «جناس ناقص» می‌گفتند.

جناس ناقص حرکتی: یکسانی دو یا چند واژه در صامت‌ها و اختلاف آن‌ها در مصوّت‌های کوتاه است. تکرار صامت‌ها، موسیقی درونی مصراع را پدید می‌آورد.

خودآزمایی

– در اشعار زیر، جناس‌های ناقص را بیابید و مصوّت‌های کوتاهی را که با هم تفاوت دارند، مشخص کنید.

مَلِكٌ رَا هَمِيْنَ مُلْكٍ پيرايه بس كه راضى نگردد به آزار كس
(سعدى)

صاف‌هاى جمله عالم خورده گير همچو دَرْدِ دَرْدِ دِينِ جَسْتِيْمِ، نِيَسْتِ
(مولوى)

گوهر مخزن اسرار همان است كه بود حَقَّه‌ى مِهْرِ بَدَانِ مِهْرِ و نِشَانِ اسْتِ كه بُوْد
(حافظ)

پسر را نشان‌دند پيران ده كه مِهْرْتِ بَر او نِيَسْتِ، مِهْرش بَدِه
(سعدى)

مکن تا توانی دل خلق ریش و گَر مى‌گُنى، مى‌گُنى بيخ خویش
(سعدى)

جناس ناقص اختلافی

اختلاف حرف^۱ اوّل، وسط^۲ و آخر

- (۱) هر تیر که در **کیش** است، گربردل **ریش** آید
ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها
«سعدی»
- (۲) نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد
بختم اربار شود **رختم** از این جا ببرد
«حافظ»
- (۳) دل من هست از این **بازار**، **بیزار**
قسم خواهی به **دادار** و به **دیدار**
«نظامی»
- (۴) باغبان همچو نسیم ز درخویش مران
کاب **گلزار** تو از اشک **چو گل‌نار** من است
«حافظ»
- (۵) **یاد** یاران **یار** را میمون بود
خاصه کان لیلی و این مجنون بود
«مولوی»
- (۶) بدان‌گه که خیزد **خروش خروس**
ز درگاه برخاست آوای کوس
«فردوسی»
- * در مثال نخستین، دو واژه‌ی «کیش و ریش» تنها در صامت آغازین با هم متفاوت‌اند

۱ - حرف را معادل صامت‌ها و مصوت‌های بلند به کار برده‌ایم.

۲ - حرفی را که در اوّل و آخر نباشد، وسط می‌گوییم.

و هم‌سانی دو صامت دیگر در ایجاد موسیقی داخلی مصراع مؤثر است.

* در بیت دوم نیز دو واژه‌ی «بخت و رخت» در حرف اوّل با هم تفاوت دارند و هم‌سانی دیگر صامت‌ها و مصوّت‌ها از عوامل ایجاد موسیقی در مصراع دوم است.

* در مثال سوّم، به دو واژه‌ی «بازار و بیزار» در مصراع اوّل و «دادار و دیدار» در مصراع دوم بنگرید.

دو کلمه‌ی اوّل چه تفاوتی با هم دارند؟ حرف وسط بازار «آ» و حرف وسط بیزار «ای» است. «دادار و دیدار» نیز این گونه‌اند؛ یعنی، حرف وسط آن‌ها با هم فرق می‌کند.

* در مثال چهارم، دو واژه‌ی «گلزار و گل‌نار» در مصراع دوم به کار رفته است. همه‌ی صامت‌ها و مصوّت‌های دو کلمه جز صامت وسط آن‌ها یکی است و آهنگ مصراع دوم تا حدی از این شباهت برمی‌خیزد.

* در بیت پنجم، دو واژه‌ی «یاد و یار» تنها در صامت پایانی با هم اختلاف دارند و هم‌سانی دو حرف دیگر این دو واژه و همراهی آن دو با کلمه‌ی یاران آهنگ دل‌نشین درونی مصراع را پدید آورده است.

* در آخرین مثال، دو کلمه‌ی «خروش و خروس» در کنار هم آمده‌اند. آخرین صامت دو کلمه با هم متفاوت است. هماهنگی این دو واژه در بقیه‌ی صامت‌ها و مصوّت‌ها و هماهنگی حرف اوّل آن‌ها با «خیزد» از عوامل خلق موسیقی مصراع اوّل است. جناسی از این نوع را که اختلاف دو واژه در حرف اوّل و وسط یا آخر آن‌هاست، نیز **جناس ناقص** می‌نامیم.

توجه: جناس میان دو واژه را زمانی جناس ناقص می‌خوانیم که اختلاف آن‌ها بیش از یک حرف نباشد.^۱

جناس ناقص اختلافی: اختلاف دو کلمه در حرف اوّل، وسط یا آخر

است. این نوع جناس نیز در آفرینش موسیقی لفظی مؤثر است.

۱- برای نمونه، در مثال سوّم دو واژه‌ی «یار و یاران» جناس ناقص نیستند؛ زیرا اختلاف آن‌ها دو حرف است.

خودآزمایی

– در ابیات زیر، جناس‌های ناقص را بیابید و حرف‌هایی را که متفاوت‌اند، در آغاز، میان و پایان ارکان نشان دهید.

این بوی روح‌پرور از آن خوی دلبر است
وین آب زندگانی از آن جوی کوثر است
(سعدی)

درشت است پاسخ ولیکن درست
درستی، درشتی نماید نخست
(ابوشکور)

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
(سعدی)

ساقی به نور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
(حافظ)

سوزد مرا، سازد مرا در آتش اندازد مرا
وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند
(رهی معیری)

سر رشته‌ی جان به جام بگذار
کاین رشته از او نظام دارد
(حافظ)

هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی
کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را
(حافظ)

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز
تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد
(حافظ)

جناس ناقص افزایشی

افزایش در اوّل، وسط و آخر

(۱) دلا ز رنج حسودان مرنج و واثق باش
که بد به خاطر امیّدوار مانرسد
«حافظ»

(۲) شادی مجلسیان در قدم و مقدم تو است
جای غم باد مرآن دل که نخواهد شادت
«حافظ»

(۳) دستم^۱ نداد قوّت رفتن به پیش دوست
چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم
«سعدی»

(۴) سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند
همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند
«حافظ»

(۵) اشک من رنگ شفق یافت ز بی مهری یار
طالع بی شفقت بین که در این کار چه کرد
«حافظ»

* در اوّلین مثال، دو واژه‌ی «رنج و مرنج» به کار رفته‌اند. واژه‌ی رنج سه صامت و واژه‌ی مرنج چهار صامت دارد. اضافه شدن یک صامت به آغاز اوّلین واژه، تنها اختلاف دو کلمه است. همسانی سه صامت دیگر از اسباب ایجاد موسیقی درونی مصراع اوّل است.
* در مثال دوم نیز واژه‌ی «مقدم» یک صامت بیش از کلمه‌ی «قدم» دارد و این

۱ - «م» یک واژه‌ی مستقل محسوب می‌شود.

صامت در آغاز آن افزوده شده است. در کنار هم آمدن «قدم» و «مقدم» و هم‌سانی سه صامت این دو کلمه بر موسیقی این بخش از مصراع می‌افزاید.

* در سوّمین مثال، واژه‌ی «دوست» یک حرف بیش‌تر از «دست» دارد و این افزایش در وسط آن صورت گرفته است. آمدن این دو واژه در آغاز و پایان مصراع اوّل و هم‌سانی این دو در بقیّه‌ی صامت‌ها در موسیقی و آهنگ مصراع مؤثر است.

* در بیت چهارم نیز واژه‌ی «چمان» یک حرف بیش از «چمن» دارد. این حرف در وسط آن افزوده شده است. هم‌سانی سه صامت دیگر در این دو واژه و همراهی چمان و چمن با کلمه‌ی «چرا» در خلق موسیقی درونی مصراع مؤثرند.

* در آخرین شاهد، «شفق» در مصراع اوّل و «شفقت» در مصراع دوم به کار رفته است. اوّلین واژه سه صامت و دومی چهار صامت دارد و صامت اضافی «ت» در پایان شفقت آمده است. هم‌سانی بقیه‌ی صامت‌ها و مصوّت‌ها در تکامل موسیقی لفظی بیت مؤثر است. به کلماتی چون «رنج و مرنج»، «چمن و چمان» و «شفق و شفقت» که اختلاف آن‌ها در تعداد حروف است، نیز جناس ناقص می‌گوییم.

جناس ناقص افزایشی: اختلاف دو واژه است در معنی و تعداد حروف.

یادآوری:

دو واژه در سه حالت، جناس ناقص دارند:

۱ - اختلاف در مصوّت‌های کوتاه (حرکتی)

۲ - اختلاف در نوع حروف (اختلافی)

۳ - اختلاف در تعداد حروف (افزایشی)

ارزش جناس ناقص به موسیقی لفظی است که در کلام می‌آفریند.

خودآزمایی

— در اشعار زیر، جناس‌های ناقص را بیابید و هر نوع افزایشی را که در ارکان صورت گرفته است، نشان دهید.

سعدیا گر نکند یاد تو آن ماه، مرنج
ما که باشیم که اندیشه‌ی ما نیز کنند
(سعدی)

ده روزه مهر گردون، افسانه است و افسون
نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا
(حافظ)

موج‌ها خوابیده‌اند، آرام و رام
طبل طوفان از نوا افتاده است
(مهدی اخوان ثالث)

بشوی ای خردمند از آن دوست، دست
که با دشمنانت بود، هم‌نشست
(سعدی)

جان بی‌جمال جانان میل جهان ندارد
هر کس که این ندارد حقاً که آن ندارد
(حافظ)

در این حضرت چو مشتاقان نیاز آرند، ناز آرند
که با این درد اگر در بندِ درمان‌اند، درمانند
(حافظ)

چو دید آن درفشان درخش مرا
به گوش آمدش بانگِ رخس مرا
(فردوسی)

خود کار من گذشت زهر آرزو و آرزو
از کان و از مکان پی ارکانم آرزوست
(مولوی)

می‌شکفتم ز طرب زان که چو گل بر لب جوی
بر سرم سایه‌ی آن سرو سهی بالا بود
(حافظ)